



رابطه روزه و تقوا از دیدگاه قرآن

۱۰ مهر / رسالت

حافظ فرزانه (مرکز فرهنگ و معارف قرآن)

مقدمه

تقوا لازمه زندگی هر فردی است که می خواهد تحت فرمان عقل زندگی کند و زندگی سعادت‌مندانه ای داشته باشد. تقوای دینی و الهی این است که انسان در مسیر اصولی که دین برای زندگی معین کرده حرکت و از گناه خود را حفظ کند. در یک تقسیم بندی می توان تقوا را به دو صورت عنوان کرد:

۱. انسان از عوامل و مکان های آلوده دوری کند.
۲. در روح خود حالت و قوتی به وجود آورد که به او در برابر گناه مصونیت روحی و اخلاقی بدهد به گونه ای که بتواند با نیروی تقوا، بر نفس و تمایلات خود غلبه کند و خود را به گناه و معصیت الهی آلوده نکند.
واژه تقوا در قرآن و روایات بیشتر در معنای دوم، استعمال شده است. چون تقوایی موجب کمال انسان است، که هنگام فراهم بودن زمینه گناه، به انسان قدرت دهد بر تمایلات نفسانی خود غلبه کند. با توجه به مفهومی که از تقوا ارائه شد می توان به ارتباط روزه و عبادتهای دیگر با تقوا پی برد.

روزه، راهی به سوی تقوا است و پیدایش ملکه تقوا بعد از یک سلسله ممارست و تمرین مناسب به دست می آید. و روزه از جمله ابزارهای چنین تمرینی است. به گونه ای که انسان می آموزد عنان اختیار خود را به دست هوی و هوس نهد و این عین تقواست. امیر مومنان، حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) تقوا را چنین معنا می کند: «لازمه پیروی هوا و هوس و عنان خود را به دست نفس سرکش واگذار کردن، زبونی، ضعف و بی شخصیتی را به دنبال دارد، انسان در این حالت نسبت به اداره حوزه وجودش، مانند سواره زبونی است که بر اسب سرکش سوار است و از خود اراده و اختیاری ندارد، و لازمه تقوا و حفظ نفس، داشتن شخصیت معنوی و عقلی است که افزایش قدرت اراده و خود نگهداری و خودداری از زشتی ها را به دنبال دارد. مانند سوار ماهر و مسلطی که بر اسب تربیت شده ای سوار است و با قدرت فرمان می دهد و اسب را پیش می برد، و آن اسب تربیت شده به آسانی اوامر و دستورات سوارکار را اطاعت می کند.»

یکی از راههای کسب نیروی تقوا، روزه داری است و اساسا کمال مطلوب و هدف نهایی روزه کسب تقوا است. خداوند می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون؛ ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما واجب شده، چنانکه بر ملت های قبل از شما هم واجب بود، شاید که پرهیزکار شوید.»

در سوره بقره، با لحن تاکید آمیز، وجوب روزه بر مسلمانان، بیان شده است. این آیه بعد از ذکر حکم روزه، بلافاصله فلسفه این عبادت انسان ساز و تربیت آفرین را با یک جمله پرمحتوا، (لعلکم تتقون)، شاید که پرهیزکار باشید، بیان می کند. یعنی هدف نهایی و کمال مطلوب در روزه رسیدن به تقوا است. از آنجایی که این عبادت با محرومیت هایی همراه است، و محرومیت از لذت های مادی، سختی هایی را به همراه دارد. از این رو با تعبیرهای مختلفی روح انسان را برای پذیرش این حکم و رسیدن به هدف نهایی آماده می سازد. در این آیه ابتدا با جمله «یا ایها الذین آمنوا» انسان را به صفت ایمان مورد خطاب قرار داده است و نفرموده «یا ایها الناس». تا بفهماند شما که دارای ایمان هستید و معتقد به یک مکتب و مرامی به نام اسلام هستید، و به کوی درست راه یافته اید حکم پروردگارتان را پذیرا باشید.

امام صادق (علیه السلام) در ضمن حدیثی به این مطلب اشاره فرموده است: امام (علیه السلام) می فرماید: «شیرینی لفظ «یا ایها الذین آمنوا» سختی روزه را آسان و شیرین می کند.»
وابستگی متقابل روزه و تقوا

قرآن پذیرش روزه و هر عبادت دیگری را به داشتن تقوا و روح پرهیزکاری قید کرده و فرموده: «انما یتقبل الله من المتقین؛ اعمال

۱۰۴

تنها از اهل تقوا پذیرفته می شود.» بدین ترتیب، رابطه متقابل عبادات (از جمله روزه و تقوا) روشن می شود. از بررسی معانی تقوا و روزه هم می توان به این ارتباط پی برد. معنای واقعی تقوا، خود نگهداری، خودداری و حفظ نفس است، و روزه به معنای امساک که آن نیز نوعی خودداری است، می باشد.

تنها فرق بین این دو واژه، در مصادیق آنها است، به این معنا که، تقوا نگهداری و حفظ نفس از هر چیزی که به نفس و تقوای انسان آسیب می رساند. ولی روزه خودداری از موضوعات و چیزهای مشخص است، کارهایی که روزه را باطل کرده و روزه دار را از رسیدن به تقوا، باز می دارد. طبق این تعریف ها محدوده تقوا و مصداق های آن، بزرگتر از محدوده و مصداق های روزه است. پس با خودداری از اموری که روزه را باطل می کند، می توان به تقوا دست یافت. با تمرین و ممارست در خودداری نفس از موضوعات مشخص، می توان نفس را به خودداری از هر کاری که به نفس و تقوای انسان، آسیب می رساند، عادت داد.

شرایط روزه برای ایجاد تقوا، قرآن کریم روزه را عامل بسیار مهمی برای دسترسی به تقوا می داند البته روزه ای که، با تمام شرایط روزه همراه باشد. پیامبر در خطبه شعبانیه روزه داری را فقط تحمل گرسنگی و تشنگی نمی داند، یعنی علاوه بر خودداری از خوردن و آشامیدن، باید گوش، زبان و چشم هم روزه باشد. حضرت سفارش های خود را در دو محور، فردی و اجتماعی بیان می فرماید. در محور فردی به اعمال فردی، مثل قرائت قرآن، دعا، توبه، استغفار، نیکوسازی اخلاق و صلوات بر محمد (صلی الله علیه و آله) و اعمال دیگر، سفارش می کنند. در محور اجتماعی هم به بیان مسائلی که به روابط فرد با دیگر هم نوعان خود مربوط می شود، پرداخته است، مثل احترام و برخورد صحیح با بزرگتر و کوچکتر از خود، آسان گرفتن بر زیردستان، صله رحم، یتیم نوازی، صدقه و افطار دادن و اعمال دیگر را گوشزد کرده است.

اگر این واقعیات را روزه دار، آویزه گوش سازد و خود را در گردونه ریاضت های شرعی قرار دهد، و ترک محرّمات (حرام ها) در این زمان اندک را سرلوحه کار خود قرار دهد، در پایان ماه موفق به کسب روح تقوا شده و به برکت این ماه از حصار گناه و اسارت شیطان آزاد شده، آن وقت به هدف اصلی روزه، یعنی کسب تقوا، دست می یابد. و با رسیدن به این جایگاه و کسب روح تقوا، رنگ الهی به خود گرفته و می تواند به مقام رفیع جانشینی خدا در روی زمین برسد، که خداوند سبحان، به مومنین اهل عبادت وعده داده است.

عبادات و تقواسازی چنانکه ذکر شد، علاوه بر روزه، هدف عبادت های دیگر هم رسیدن به تقوا و خودسازی و تهذیب نفس می باشد. و از آنجایی که هدف خلقت در قرآن عبادت است. «وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون. من جن و انس را خلق نکردم مگر اینکه، عبادت کنند.» پس می توان چنین نتیجه گرفت که هدف از خلقت انسان ها، رسیدن به تقوا است. و همه اعمال های نیک انسان فقط در سایه تقوا، قبول محضر حضرت دوست جل جلاله، واقع می شود. از این رو، بین عبادت های دیگر و تقوا هم از منظر قرآن ارتباط نزدیک و وابستگی کامل وجود دارد. چرا که انسان با رسیدن به تقوا خصلت های حیوانی را از خود دور کرده و صفات انسانی و الهی را تقویت می کند، و با استفاده از برنامه های اخلاقی و معنوی، در خود اخلاق الهی ایجاد کرده، تا برای رسیدن به تقوا از آنها بهره برد. و با استفاده از روح تقوا و پرهیزکاری، بین ظاهر و باطن خود تعادل ایجاد کرده و به رستگاری دنیا و آخرت می رسد. علاوه بر اینکه روزه گرفتن یکی از واجبات و عبادت های مهم برای مسلمانان است، خود گرسنگی و تشنگی و تحمل آنها، در رسیدن انسان به هدف اصلی کمک می کند و انسان را از تمایلات و جاذبه هایی که او را به سرکشی و بیراهه می کشاند، بازداشته و خلق و خوی انسانی را در او زنده می کند، و در نهایت، تقوا، این صفت نیک و برترین ویژگی انسان خود ساخته، در او نهادینه می شود.